

## تحلیل چالش‌های اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق و تأثیر آن بر آینده کشور

بهادر زارعی<sup>۱</sup>

استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران

کمال رنجبری چیچوران

دانشجوی کارشناسی ارشد گروه جغرافیای سیاسی دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۲ - تاریخ تصویب: ۹۵/۴/۲۰)

### چکیده

عراق بعد از فروپاشی رژیم بعث وارد ساختار جدید سیستم حکمرانی و تقسیم قدرت بین بلوک‌های قومی-مذهبی شد و کردها با توجه به فرصت پیش‌آمده توانستند مطالبات خود را در سیستم جدید عراق قانونی کنند و حکومت اقلیم کردستان را تشکیل دهند. کردها با توجه به شکاف‌های هویتی با جهان عرب و وزن ژئوپلیتیکی بالا به سیاست‌های غیرهمسو با حکومت مرکزی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و همچنین رفتارندوم و حرکت به سوی استقلال روی آوردند و این وضعیت باعث به وجود آمدن چالش‌های متعددی بین اقلیم کردستان و حکومت مرکزی شده است. این پژوهش از نوع کاربردی و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای-اینترنتی به جمع‌آوری داده‌های موردبحث پرداخته است. ابتدا به بررسی و تبیین چالش‌های بین اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق پرداخته شده و سپس با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده تأثیر این چالش‌ها بر آینده سیاسی عراق موردبررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین اقلیم کردستان عراق و حکومت مرکزی چالش‌های متعدد ساختاری و کارکردی شامل: (شکاف هویتی، فروش مستقیم نفت و سیاست‌های اقتصادی، قدرت نظامی، روابط خارجی و قلمرو خواهی در مناطق کردنشین خارج از اقلیم کردستان) وجود دارد که اگر این چالش‌ها به‌صورت قانونی و با تفاهم بین طرفین حل‌وفصل نگردند آینده سیاسی عراق و اقلیم کردستان را با خطر مواجه کرده و بحران در آن کشور را تشدید می‌کند.

### واژگان کلیدی

چالش، عراق، اقلیم کردستان، الگوی فدرال، قلمرو خواهی

**مقدمه**

پس از حمله آمریکا به عراق و گشایش فصلی جدید در تاریخ سیاسی این کشور، قانون اساسی عراق بر اساس فدرالیسم با رویکرد قومی تدوین شد. بیشتر کشورهای فدرال از الگوی قومی پیروی نمی‌کنند، تنها جوامعی خاص و گاه بحران‌زده این تقسیم‌بندی را می‌پذیرند. برای کشوری نامتجانس همچون عراق که نه بر اساس اراده ملی و خواست مردم، بلکه به خواست انگلستان پس از جنگ اول جهانی تشکیل شده بود، فدرالیسم بهترین شیوه کشورداری می‌توانست باشد، اما در اقلیم کردستان از فدرالیسم به شیوه‌ای متفاوت و دور از عرف بین‌المللی تعبیر شد. اقلیم کردستان در قانون اساسی جایگاه و موقعیتی بدست آورد که چیزی بیش از یک سیستم فدرالیسم است (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۷). حق وتو، حق داشتن نیروهای مسلح، سیاست خارجی مستقل، امکان تصمیمات گسترده در زمینه‌های اقتصادی، امنیتی و ... که به هیچ‌یک از این اختیارات در سایر نظام‌های فدرال اجازه داده نمی‌شود و اقلیم کردستان از این بابت یک استثناء است (میرحیدر، ۱۳۹۲: ۲۱۰). اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق همواره در کشمکش و ستیز بر سر نحوه اجرای فدرالیسم بوده‌اند و کردها اختیارات فرا ایالتی، قلمروخواهی و حرکت به سوی استقلال را حق خود می‌دانسته‌اند در حالی که حکومت مرکزی این اقدامات را به‌عنوان تهدیدی برای حاکمیت ملی و صلح و امنیت منطقه تفسیر کرده است. شیوه سازمان‌دهی سیاسی فضا در عراق به‌گونه‌ای است که هنوز حالت گذار خود را سپری نکرده و به ثبات دست پیدا نکرده است. در فضای آشفته عراق با توجه به وضعیت بوجود آمده بعد از حمله داعش و تضعیف حکومت فدرال عراق قلمرو سازی و ضمیمه کردن نواحی کردنشین خارج از اقلیم، سیاست‌های اقتصادی و فروش مستقیم نفت بدون بازگشت به مرکز، سیاست خارجی مستقل و ... به استراتژی اساسی اقلیم تبدیل شد. کردها با بهره برداری از شکاف‌های موجود در بین شیعه و سنی و اختلافات منطقه‌ای و پدیده تروریسم، در راستای توسعه قلمرو در مناطق مورد مناقشه و همچنین افزایش قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی و اجرای رفراندوم برای استقلال گام برداشتند. حکومت مرکزی عراق و قدرت‌های منطقه‌ای و حتی جهانی با این حرکت کردها مخالفت کردند و حکومت مرکزی با استفاده از شکاف‌های حزبی بین احزاب کردی و لشکرکشی در مدتی کوتاه توانست مناطق مورد مناقشه را بازپس بگیرد و خواستار لغو کامل نتایج رفراندوم شد. این وضعیت باعث شده که اقلیم کردستان با حکومت مرکزی عراق وارد چالش‌های متعددی شود. هدف این تحقیق پاسخ به این سؤال است که بعد از فروپاشی رژیم بعث و تغییرات ساختاری در شیوه حکمرانی در عراق، آن کشور وارد کدام چالش‌ها با اقلیم کردستان شده است و چالش‌های موجود چه اثراتی بر آینده عراق خواهند داشت.

### چارچوب مفهومی

#### سرزمین/قلمرو

سرزمین بخشی از جلوه‌گاه جغرافیایی است که با ادامه فیزیکی قلمرو یک حکومت مماس است. این مفهوم گستره‌ای فیزیکی است که ساختاری حکومتی به خود می‌گیرد، همچنین سرزمین چهره افقی یا فیزیکی کشور است و مفهومی جغرافیایی است که با توجه به مفهوم حکومت چهره‌ای سیاسی پیدا می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۹۲: ۴۴). قلمرو و قلمرومندی بنیاد فلسفه جغرافیای سیاسی هستند. قلمرو به‌عنوان نمود عینی و فضایی بر خواسته از حق طبیعی مالکیت و اصل میل به بقا به رفتار قلمروخواهانه انسان جهت و معنا داده به‌گونه‌ای که تفسیر کنش و منش انسان عمدتاً تابعی از خصیصه قلمرومندی بوده است. در جغرافیای سیاسی مفاهیم سرزمین، مرز و حاکمیت برای شکل‌دهی به قلمرو رابطه نزدیکی دارند بر این اساس، قلمرو، فضای متأثر از قدرت سلطه و مالکیت است و شدت نفوذ قدرت، سلطه و مالکیت تابع شاخصه‌های وزن مکانی همچون وسعت، میزان و تنوع منابع طبیعی، شکل و موقعیت آفندی و پدافندی، راهبردی، و فضای کارآمدی سرزمین در عرصه‌های مختلف سیاسی است (Glassner, 1993: 120- 121). سرزمین عراق میراث جنگ جهانی اول و تجزیه امپراتوری عثمانی است که هویت ملی و حکومت ملت پایه در آن شکل نگرفته است و هر گروه قومی مذهبی در آن کشور خواستار افزایش قلمرو و حوزه نفوذ خود و تسلط بر مکان‌ها و فضاها است. استراتژیک است.

#### قلمروسازی/قلمرو خواهی

قلمرو خواهی، تلاش به‌وسیله فرد یا گروه برای کنترل مردم، پدیده‌ها و روابط با تعیین حدود کردن و ادعای کنترل بر یک ناحیه جغرافیایی یا یک سرزمین است. قلمرو خواهی به میزان بسیار زیادی با هنجارهای فرهنگی و با عوامل دیگری که دارای مقیاس و مکان هستند تعیین می‌شود و این امور باعث می‌شوند که بدون رجوع به جامعه و فضا مفهوم قلمرو خواهی غیرواقع‌گرایانه باشد. قلمرو خواهی یک گزینه انسانی نبوده بلکه یک ساخت اجتماعی است (میرحیدر، ۱۳۹۳: ۱۴). قلمرو سازی راهبردی است که از طریق آن افراد و گروه‌ها به اعمال نظارت انحصاری بر بخش مشخص و محدودی از فضا می‌پردازند (میرحیدر، ۱۳۷۹: ۱۰). قلمرو سازی در آغاز راهبردی برای ایجاد محدودیت و کنترل است اقدامی که در نتیجه آن فضای جغرافیایی ساخته می‌شود، فضایی که وابسته به زمین است و توسط انسان مدیریت می‌شود (Kolars, 2009: 4&70). کردها در طول تاریخ عراق همواره در هر فرصتی که پیش آمده قسمت‌هایی از سرزمین عراق را که خارج از چارچوب قانونی اقلیم کردستان است جزء قلمرو تاریخی و

جغرافیایی خود محسوب کرده و شروع به قلمروسازی و ضمیمه کردن آن مناطق به مناطق تحت حاکمیت خود کرده‌اند و حکومت مرکزی در عراق نیز با توجه به مشکلات داخلی و بیم از بالا رفتن وزن ژئوپلیتیکی کردها و حرکت به سمت استقلال از حل و فصل قانونی مناطق مورد مناقشه بر اساس همه پرسی سر باز زده است.

### الگوی فدرالیسم

فدرالیسم از به هم پیوستن جماعات انسانی و واحدهای سیاسی متمایز پدید می‌آید که تصمیم می‌گیرند سرنوشت خود را به هم پیوند بزنند و کشوری با امکانات بیشتر به وجود بیاورند (Kolars, 2009: 29). فدرالیسم یکی از روش‌های حکومتی است که بر اساس توزیع مقتدرانه قدرت در سرزمینی که تمایل به حفظ ارزش‌ها و گوناگونی‌های فرهنگی، قومی، زبانی و تاریخی دارد توجیه می‌شود. هم‌اکنون در سراسر جهان ده‌ها کشور به صورت فدرال (غیرمتمرکز). اداره می‌شوند، کشورهای پیشرفته‌ای چون؛ آمریکا، آلمان، اتریش و استرالیا دارای سیستم غیرمتمرکز فدرال هستند. اگرچه دستگاه‌های فدرال انواع و دلایل مختلفی دارند ولی انتخاب این سیستم معمولاً به‌عنوان آخرین راه‌حل همزیستی مسالمت‌آمیز ملت‌ها در قالب یک کشور واحد بوده است. معمولاً کشورها به یکی از دلایل تنوع قومی - فرهنگی و وسعت جغرافیایی و یا اتحاد چند کشور کوچک‌تر برای تشکیل کشوری بزرگ‌تر و قدرتمندتر به سیستم فدرالیسم روی می‌آورند. در یک سیستم فدرال، قدرت سیاسی اگرچه پخش شده است، لیکن قدرت کاملاً هماهنگ است و این هماهنگی، انسجام درونی و قدرت واقعی بیشتری را به دولت داده و از تنش‌های درونی آن می‌کاهد (تاج‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵۷-۷۵) به همین دلیل یک دولت فدرال، ضمن آن‌که پیوند درونی هماهنگ‌تری با مؤلفه‌های خود دارد، خود ابزاری است برای حفظ کثرت‌گرایی (pluralism) و حراست از حقوق فردی در برابر اقتدار دولت مرکزی، پس گروه‌های قومی - مذهبی از اختیارات و آزادی‌های بیشتری برخوردار می‌گردند. انتقال قدرت سیاسی تصمیم‌گیری به ایالت‌ها و مناطق، حق تصمیم‌گیری را در مواردی که بر زندگی آنان اثر می‌گذارد، از بوروکرات‌های مرکز نشین، بیشتر به خود شهروندان آن ایالت‌ها انتقال می‌دهد. فدرالیسم روش حکومتی است که بر اساس توزیع و اجرای قدرت سیاسی در سرزمین و کشوری که تمایل به حفظ گوناگونی‌های فرهنگی، مذهبی، تاریخی، اجتماعی و حقوقی خود دارد، پدید می‌آید. در واقع در این الگو به وسعت گوناگونی‌ها و تفاوت‌های جغرافیایی اصالت داده می‌شود. در الگوی فدرال، نظام حکومت دوسطحی است سطح فدرال (ملی). و سطح ایالت‌ها (منطقه‌ای). و در هر کدام از دو سطح مزبور، نهادهای متناظر حکومتی و قوای مقننه، مجریه و قضائیه وجود دارد و ایالت‌ها نیز برای خود به وضع قوانین می‌پردازند.

نهاد قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری سطح ملی در سیستم فدرال دوگانه است که شامل مجلس نمایندگان که اعضای آن بر اساس نسبت جمعیتی برگزیده می‌شوند و مجلس سنا که اعضای آن به نسبت مساوی و بدون توجه به تفاوت‌های ایالت‌ها برگزیده می‌شوند. مرکز حکومت فدرال به صورت توافقی از سوی ایالت‌ها تعیین می‌شود. در این الگو، دیوان یا دادگاه قانون اساسی برای پاسداری از نظام فدرال و رسیدگی به اختلافات مابین ایالت‌ها و سطح فدرال وجود دارد (زارعی، ۱۳۹۲: ۲۱۲-۲۰۸). در الگوی فدرال اصل برهم زیستی بین ایالت‌ها است نه الزاماً وحدت آن‌ها، روابط ایالت‌ها باهم تابع حقوق و قوانین داخلی و رابطه دولت فدرال با سایر دولت‌ها تابع قوانین و حقوق بین‌المللی است. دولت فدرال به نیابت از ایالت‌ها، امور مشترک مانند دفاع، روابط خارجی، پول، گمرک و حمل‌ونقل را بر عهده دارد. در نظام فدرال، ذخیره قدرت در اختیار ایالت‌ها قرار دارد (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۰). در عین حال دولت فدرال در تمرکز قدرت و ایالت‌ها در توزیع فضایی قدرت می‌کوشد (بدیعی، ۱۳۹۵: ۳۸). الگوی فدرالیسم در عراق با هیچ کدام از الگوهای فدرال در جهان مطابقت ندارد و شیوه حکمرانی در این کشور یک استثنا است حکومت اقلیم کردستان همواره به سوی عدم تمرکز بیشتر و حکومت مرکزی به سمت تمرکز گام برداشته‌اند.

#### دولت - ملت (nation-state)

دولت - ملت ریشه در تاریخ مدرن دارد به طوری که می‌توان روند پیدایش دولت - ملت را از سال ۱۶۴۸ و پس از فرا داد صلح وستفالیای پی گرفت. از این زمان بود که به تدریج بازیگری به نام دولت - ملت نمود پیدا کرد و پس از انقلاب فرانسه ۱۷۸۹ و اشاعه گرایش‌ها ناسیونالیستی در اروپا وارد مرحله تکاملی خود شد. قبل از ظهور بازیگری به نام دولت - ملت، مردم در چارچوب واحدهایی نظیر دولت - شهرها، امپراتوری‌ها و دولت‌های فئودالی هویت می‌یافتند (قوام، زرگر: ۱۳۸۷: ۵۱). ملت گروهی از مردم است که احساس می‌کنند از دو جهت عینی و ذهنی به یکدیگر وابسته‌اند، عوامل عینی مانند زبان، دین، آداب و رسوم، میراث تاریخی و سرزمینی مشترک و عوامل ذهنی مانند آگاهی افراد به اینکه آنان به یک ملت تعلق داشته و تمایل دارند تا تنها خود بر خود حکومت کنند و نه فرد دیگری و بالاخره اینکه در آینده سرنوشت مشترکی دارند تعریف می‌شود (میرحیدر، ۱۳۸۳: ۵۲). حکومت ملی سیستمی بسیار کارآمد برای انسجام، همانندسازی و نظارت بر مردم و قلمرو جغرافیایی است. دولت ملی یک شخصیت حقوقی است که در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شده، وظیفه آن سازمان‌دهی و تضمین سعادت و امنیت شهروندان قلمرو خود هست و از آنجایی که بالاترین مرجع است، هیچ رقیبی یا چالشی را علیه حاکمیت خود تحمل نکرده و از شهروندان خود خواستار تبعیت است. یکی از

اهداف اصلی و مهم هر حکومت تدوین و اجرای قوانین و مقررات لازم جهت حفظ قلمرو و مرزهای سرزمینی از نفوذ و رخنه قدرت‌ها و کشورهای دیگر، پاسداری از نظام سیاسی و اجتماعی حاکم بر سرزمین خود و برقراری نظم و امنیت داخلی است (زارعی، ۱۳۹۲: ۱۹۰). گرچه بسیاری از کشورها امروز دولت-ملت نامیده می‌شوند ولی بسیاری از آن‌ها در عمل هنوز به چنین هویتی دست نیافته‌اند که در مورد بسیاری از کشورهای رهاشده از دست استعمار پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم صدق می‌کند. بسیاری از این کشورها با انبوهی از مشکل و تنش‌های داخلی مواجه‌اند و مابین دولت و ملت چنان شکاف عمیقی وجود دارد که به سختی می‌توان آن‌ها را در قالب هویتی منسجم بنام دولت-ملت بازشناخت. مقوله دولت-ملت‌سازی با توسعه و ثبات سیاسی در یک کشور ارتباط تنگاتنگی دارد، به طوری که وقتی از دولت-ملت‌سازی بحث می‌شود در واقع یک فرایند توسعه‌ای و روبه‌جلو است و یکی از شاخص‌های دستیابی به دولت-ملت‌سازی را باید در میزان دستیابی آن کشور به سطح مطلوبی از ثبات سیاسی جست‌وجو کرد. دولت-ملت‌سازی فرایندی در جهت نیل به قدرت و شیوه اعمال قدرت بر جامعه هست. حال اگر در کشوری ثبات سیاسی تأمین نگردد، یکی از شرایط اولیه و اساسی نیل به چنین قدرتی دچار نقصان بوده و فرایند دولت-ملت‌سازی با مشکل و رکود مواجه می‌گردد (زارعی، ۱۳۹۲: ۱۰). کشور عراق کشوری است که در طول تاریخ کوتاه خود در آن هویت ملی شکل نگرفته و از نداشتن حکومتی ملی که تمامی اقوام و مذاهب خود را متعلق به آن بدانند همواره رنج برده است.

### محیط‌شناسی پژوهش

عراق در جنوب غرب آسیا قرار گرفته است و کشوری با اقلیم گرم و خشک با بارندگی کم هست که بشدت وابسته به دو رود دجله و فرات است که از ترکیه سرچشمه می‌گیرند و وارد آن کشور می‌شوند. همان‌طور که در جدول یک تقسیمات سیاسی و قومی عراق مشاهده می‌گردد کشور عراق دارای ۱۹ استان است و اقلیم کردستان دارای چهار استان اربیل، دهوک، سلیمانیه و حلبچه است که در جدول ۱ مشخص شده است و استان‌هایی که اقوام و مذاهب به صورت مختلط زیست می‌کنند و مورد اختلاف است شامل استان‌های کرکوک، صلاح الدین، نینوا و دیاله است (نامی، ۱۳۸۷: ۸).

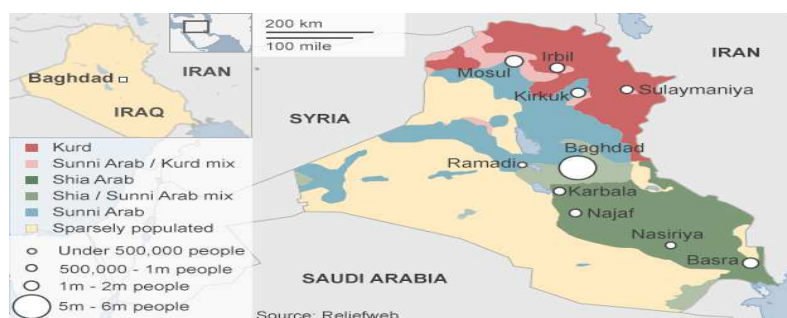
جدول ۱. تقسیمات سیاسی عراق

استان	مرکز	مساحت km2	قومیت
اربیل	اربیل	۱۵۰۷۴	کرد
انیار	رمادی	۱۳۷۸۰۸	سنی
بابل	حله	۵۶۰۳	شیعه
بصره	بصره	۱۹۰۷۰	شیعه
بغداد	بغداد	۴۰۷۱	شیعه، سنی
حلبچه	حلبچه	۳۰۶۰	کرد
دهوک	دهوک	۶۵۵۳	کرد
دیاله	بعقوبه	۱۷۶۸۵	سنی، اقلیت کرد
ذیقار	ناصریه	۱۲۹۰۰	شیعه
سلیمانیه	سلیمانیه	۱۷۰۲۳	کرد
صلاح‌الدین	تکرت	۲۴۳۶۳	سنی، اقلیت کرد
قادسیه	دیوانیه	۸۱۵۳	شیعه
کربلا	کربلا	۵۲۸۵۶	شیعه
کرکوک	کرکوک	۹۶۷۹	کرد، سنی، ترکمن
مثنی	سماوه	۵۱۷۴۰	شیعه
ميسان	عماره	۱۶۰۷۲	شیعه
نینوا	موصل	۳۷۳۲۳	سنی، کرد، مسیحی
واسط	کوت	۱۷۱۵۳	شیعه
نجف	نجف	۲۸۱۲۴	شیعه

(منبع: [www.wikipedia.org](http://www.wikipedia.org):1395)

شهر بغداد پایتخت کشور عراق و مرکزیت سیاسی این کشور را دارا است و از دیگر شهرهای مهم عراق می‌توان از موصل، بصره، کرکوک، کربلا و نجف نام برد. این کشور با داشتن دشت‌ها و زمین‌های حاصلخیز و آب‌های فراوان و منابع نفت، پیوسته در معرض تاخت‌وتاز و درگیری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بوده است. وجود منابع نفتی و همسایگی با خلیج فارس و همچنین قرار گرفتن در همسایگی کشورهای غیر عرب (ایران و ترکیه) بر اهمیت استراتژیکی آن افزوده است (ضیغمی، ۱۳۸۷: ۱۵-۱۴). چهار استان اربیل، سلیمانیه، دهوک و حاجه در شمال و شمال شرق این کشور نواحی کردنشین تحت حاکمیت حکومت اقلیم کردستان را تشکیل می‌دهند و این چهار استان هم‌اکنون حالت خودمختار داشته و مرکز سیاسی آن‌ها شهر اربیل است. اقلیم کردستان عراق بخشی از کردستان است که به دنبال جنگ جهانی اول در داخل مرزهای عراق واقع شد بیشتر ساکنان این منطقه کرد هستند و از روی همزیستی قومی و آیینی با دیگر مناطق عراق اختلاف دارند (حاجی میر خان، ۱۳۹۰: ۱۱). کشور عراق از سه

بلوک قومی- مذهبی تشکیل شده است کردها در مناطق کوهستانی و شمال عراق با زبان، فرهنگ و گرایش‌ها قومی جداگانه زندگی می‌کنند که بخش مهمی از نواحی نفت‌خیز عراق است (Mackenzie, 1999:386) و همچنین دارای حکومت محلی اقلیم کردستان می‌باشند. کردها بیشتر از لحاظ فرهنگی و نژادی ریشه ایرانی دارند و حدود ۲۰ درصد جمعیت عراق را کردها تشکیل می‌دهند که در چهار استان تحت حاکمیت اقلیم کردستان اربیل، سلیمانیه، دهوک، حلبچه و همچنین بخش‌هایی از استان‌های کرکوک، شمال موصل، دیاله و قسمت‌هایی از صلاح‌الدین ساکن هستند (قاسمی، ۱۳۸۹:۳۹). بلوک دوم مذهبی در عراق اعراب سنی مذهب هستند که حدود ۲۰ درصد جمعیت عراق را تشکیل داده و در مرکز عراق ساکن هستند و از لحاظ فرهنگی بیشتر به جهان اهل تسنن و عربستان سعودی گرایش دارند. بلوک سوم مذهبی عراق، شیعیان عراق هستند که اکثریت جمعیت کشور عراق را تشکیل می‌دهند و در جنوب عراق ساکن هستند و از لحاظ مذهبی با کشور ایران همسانی دارند (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۵-۴۰).



(منبع: [www.reliefweb.int](http://www.reliefweb.int), 1395)

نقشه شماتیک ۱. مناطق همگن (رسمی) عراق

## روش پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی و با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای- اینترنتی به جمع‌آوری داده‌های موردبحث پرداخته است. ابتدا به بررسی و تبیین چالش‌های بین اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق پرداخته شده و سپس با استفاده از داده‌های به دست آمده تأثیر این چالش‌ها بر آینده سیاسی عراق مورد بررسی قرار گرفته است.

## یافته‌های پژوهش

### سیستم حکمرانی در عراق

قانون اساسی عراق قبل از سقوط رژیم بعث، عراق را یک جمهوری دموکراتیک خلق مستقل معرفی می‌کرد. در این سیستم، گروه‌های قومی- مذهبی هیچ جایگاهی برای عرض‌انداز

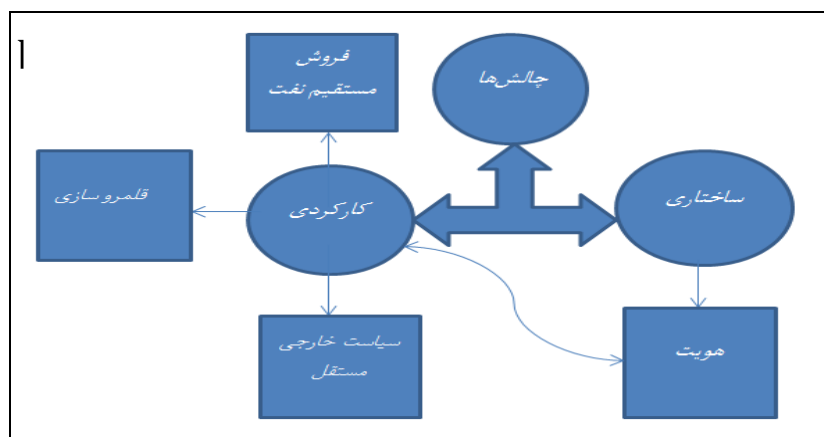


نداشتند و هدف سیستم سیاسی ایجاد امت واحد عربی و تأسیس یک نظام سوسیالیستی و وحدت پان‌عربیسم بود. ساختار حکومت با توجه به قانون اساسی آن کشور، ساختاری متمرکز و اقتدارگرا داشت که قدرت را بیشتر در نهادهای خاصی مثل شورای فرماندهی انقلاب متمرکز کرده بود. به طوری که تنها چند تن از افراد رده‌بالای حزب بعث قدرت را در اختیار داشتند و این افراد بیشتر اعراب سنی مذهب بودند و شیعیان و کردها نقش چندانی در ساختار قدرت نداشتند (سیف زاده، ۱۳۷۹: ۷۰-۴۵). حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، نظام بین‌الملل را دگرگون کرد و روند تازه‌ای را پس از جنگ سرد رقم زد و منطقه خاورمیانه را به کانون بحران‌های پی‌درپی تبدیل نمود. بعد از فروپاشی رژیم بعث در عراق توسط قدرت‌های بزرگ جهانی به رهبری آمریکا، قدرت در عراق را به اکثریت دموگرافیک مردم عراق سپردند. دو بلوک شیعه و کرد عراقی که تا آن زمان هیچ نقشی در حاکمیت نداشته و در طول تاریخ آن کشور توسط حکومت‌ها سرکوب شده بودند و مطالبات آن‌ها نادیده گرفته می‌شد، این فرصت را پیدا کردند که وارد ساختار قدرت در عراق جدید شوند و جزء شریکان اصلی هرم قدرت در عراق به حساب آیند. اختلافات دیرینه قومی - مذهبی در عراق و شکاف میان کردها و اعراب، شکاف بین شیعه و سنی، همیشه یک مانع جدی در راه برقراری ثبات و دموکراسی در این کشور محسوب می‌شده است به طوری که بعد از فروپاشی رژیم بعث نیز آثار آن کاملاً مشهود بوده است. لذا سعی بر آن شد که یک ساختار قانونی حاصل شود که با ساختار فرهنگی و اجتماعی عراق همخوانی داشته باشد و گوناگونی‌های قومی مذهبی را وسیله‌ای برای تغییر سازنده و مثبت تبدیل نماید. در عراق سیستم سیاسی بر مبنای فدرالیسم در دستور کار قرار گرفت و کشور عراق به‌عنوان یک جمهوری فدرال دموکراتیک پارلمانی تعریف شد. حکومت عراق دارای سه شاخه قوه مجریه و هیئت‌وزیران، قوه مقننه و قوه قضاییه هست. قانون‌گذاری در کشور عراق از دو رده مجمع ملی، شورای منطقه‌ای و استان‌ها تشکیل شده است. مجمع ملی از نمایندگان تمامی ملت عراق تشکیل شده و هر عضو، نماینده ۱۰۰ هزار فرد است (انتشارات آیین دادرسی، ۱۳۹۲). نمایندگان بر اساس قانون از طریق انتخابات سراسری انتخاب می‌شوند. مجمع ملی باید قوانین دولت فدرال را وضع کند و بر انجام کارها و دستگاه‌های دولتی بر اساس آنچه در قانون اساسی آمده نظارت داشته باشد و نیز برای سازمان‌دهی کارها و انجام وظایف محوله یک سیستم داخلی تدوین کند. در کشور عراق، نخست‌وزیر مقام رئیس قوه مجریه را دارا هست. قوه مجریه از نخست‌وزیر و شورای وزیران تشکیل شده است. نظام فدرال در جمهوری فدرال عراق از مناطق، استان‌ها و پایتخت مناطق تشکیل می‌شود. هر منطقه از دو استان و یا بیشتر تشکیل شده است. بنابراین هر منطقه حق دارد که یک منطقه واحد به شمار بیاید و دولت‌های منطقه‌ای بر سرزمین خود و اهالی آن بر اساس مرزهای اداری حکمرانی کنند.

دولت‌های منطقه‌ای از قوه قضائیه، مجریه و قانون‌گذاری تشکیل می‌شوند. در عراق ایالت‌ها می‌توانند در مورد کلیه مسائل جز مواردی که طبق قانون اساسی در حیطه حکومت فدرال است تصمیم‌گیری کنند (شیروی، ۱۳۸۴: ۱۷۴). شکاف‌های قومی مذهبی، اختلافات فرقه‌ای، دخالت قدرت‌ها و پدیده تروریسم با محوریت داعش باعث شدند که سیستم فدرال و الگوی حاکمیت جدید نتواند عراق را به ثبات و آرامش برساند و سیستم فدرال در آن کشور با توجه به شرایط داخلی و منطقه‌ای باعث تشدید اختلافات و واگرایی بیشتر در بین اقوام و مذاهب شود.

### چالش‌های بین اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق

کردها با حکومت مرکزی عراق دارای دو چالش ساختاری و کارکردی می‌باشند. ساختار اجتماعی کردها از نظر قومی، فرهنگی، زبانی و نژادی با اعراب کاملاً متفاوت هستند و وجه مشترکی و حس وطن‌خواهی مشترکی بین اعراب و کردها وجود ندارد. کردها هویت خود را به ریشه‌های قومی و نژادی مرتبط می‌دانند و با توجه به اینکه نقش هویت قومی نسبت به مذهب در مناطق کردنشین عراق قوی‌تر است در نتیجه مذهب هم از پتانسیل به وجود آوردن حس مشترک بین کردها و اعراب برخوردار نبوده است. بعد از تشکیل حکومت جدید عراق و فضای جدید سیاسی کردها توانستند با توجه به هویت مستقل حکومت محلی خود را مستحکم‌تر نمایند، حاکمیت قدرت مرکزی را به چالش بکشند و فدرالیسم را پشت سر بگذارند. اقلیم کردستان بدون بازگشت به حکومت مرکزی دارای اقتصاد مستقل و فروش مستقیم نفت، روابط خارجی مستقل از بغداد هست و هم‌چنین با پر کردن خلأ امنیتی در مناطق اشغال‌شده توسط داعش و قلمرو سازی، آن مناطق را تحت حاکمیت خود قرار داده است. همان‌طور که در نمودار یک مشاهده می‌شود چالش‌های ساختاری و کارکردی بین اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق این پتانسیل را دراند که همدیگر را تولید و بازتولید کنند و شکاف‌ها را عمیق‌تر کنند به طوری که چالش‌های هویتی و ساختاری موجب عمیق شدن چالش‌های کارکردی می‌شوند و هم‌چنین چالش‌های کارکردی (فروش نفت، روابط خارجی، قلمرو سازی) بر شدت تأثیر چالش‌های ساختاری می‌افزایند.



منبع: نگارندگان، ۱۳۹۵

مدل ۱. مدل مفهومی چالش‌های بین اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق

### عدم تکوین دولت - ملت‌سازی و شکاف‌های هویتی

دولت-ملت‌سازی فرایندی است که از طریقان شهروندان یک جامعه به تدریج ویژگی‌های مشترک خود را در چارچوب یک سرزمین واحد بازتولید می‌کنند. در این فرایند، دولت‌سازی روندی است که از طریق آن رابطه بین دولت و مردم تنظیم شده و در قالب ساختارهای مختلف سیاسی، حقوقی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تعریف و نهادینه می‌شود و فرایند دولت-ملت‌سازی از این طریق تشکیل یک دولت فراگیر بر مجموعه‌ای از گروه‌های اجتماعی را ممکن می‌سازد (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱: ۱۱). یکی از ویژگی‌های کشورهای جنوب غرب آسیا از جمله عراق نوظهور بودن آن‌هاست. بر این اساس، دولت‌های جدید در جنوب غرب آسیا که بسیاری از آن‌ها با مرزبندی‌های مصنوعی توسط قدرت‌های بزرگ جهانی به وجود آمده‌اند، دارای بافت ناهمگون قومی-مذهبی بوده و بنابراین نوعی دولت-ملت‌سازی از طریق اجبار و با توسل به ایدئولوژی ناسیونالیسم سبب شده است تکوین دولت-ملت در خاورمیانه مراحل تدریجی و روند منطقی و تکوینی خود را طی نکرده و بر اساس مقتضیات حفظ و بقای کشورها و دولت‌ها، صورت‌بندی‌های مختلفی را به خود گرفته است (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱: ۱۸-۱۰). پس از شکست امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول، عراق امروزی به قیومیت متفقین پیروز در جنگ درآمد. قدرت‌های بزرگ طبق قرا داد سایکس پیکو که در سال ۱۹۱۶ بین فرانسه و انگلیس به امضا رسید، عراق تحت اشغال بریتانیا درآمد و بدون توجه به فرایند دولت-ملت‌سازی و خواست مردم بر اساس منافع استراتژیک و ابتکارات خود، شروع به کشورسازی و رسم مرزهای سیاسی کردند و در عراق مفهومی به اسم هویت ملی شکل نگرفت (نامی، ۱۳۸۷: ۲۳). از به هم پیوستن سه ایالت بصره، موصل و بغداد بعد از فروپاشی امپراتوری

عثمانی، عراق امروزی تشکیل شد و فاتحان جنگ جهانی اول عراق را به کوچک‌ترین اقلیت آن یعنی اعراب سنی مذهب سپردند. تاریخ تقریباً یک سده شکل‌گیری عراق همواره محل تقابل و کشمکش سه نوع ملی‌گرایی بوده است و این سه ملی‌گرایی همواره و با توجه به شرایط محلی، منطقه‌ای و جهانی در فراز و فرود بوده‌اند: ملی‌گرایی عراقی (Iraqi nationalism)، ملی‌گرایی عربی (Arabic nationalism) و ملی‌گرایی قومی (ethnic nationalism) (کردی). زمینه‌های شکل‌گیری و تداوم این سه ملی‌گرایی را باید در سه خاطره جمعی مردم عراق جست‌وجو کرد تمدن بین‌النهرین باستان، میراث اسلامی-عربی و امپراتوری عثمانی از همان اوایل تا امروز، عدم توجه به ساختار قومی-مذهبی در عراق موجب بروز چالش‌ها و اختلافات شدیدی شده است و باعث گردیده تا حکومت‌های دیکتاتوری و مطلق‌گرا در عراق بر سرکار آیند و به حفظ حاکمیت با استفاده از ابزار زور و رعب و وحشت بپردازند. آنچه بخش‌های مختلف عراق را به هم پیوند می‌دهد الزامات راهبردی و جغرافیایی است نه حاصل تجربه زیست مشترک مسالمت‌آمیز یا برآمده از یک آگاهی کلان ملی در بین اقوام. سیاست در عراق همواره به‌عنوان تلاش گروه‌های قومی-مذهبی برای کسب قدرت بیشتر و رقابت بر سر کنترل قدرت بوده است (زارعی، ۱۳۹۵: ۴۹۵). کردهای عراق گروهی قومی هستند که عموماً در چهار استان سلیمانیه، اربیل، دهوک، کرکوک و قسمت‌هایی از موصل و صلاح‌الدین زندگی می‌کنند. امروزه کردهای عراق دومین گروه عمده عراق (۲۰ درصد جمعیت کل عراق). بعد از شیعیان هستند و توانسته‌اند در انتخاب مجمع ملی بیشترین آراء را بعد از گروه‌های شیعی به دست آورند. کردهای عراق در استان‌های اربیل، دهوک و سلیمانیه یک اقلیم خودمختار تشکیل داده‌اند و در قانون اساسی عراق مطالبات آن‌ها بر مبنای فدرالیسم و تقسیم قدرت با حکومت مرکزی به رسمیت شناخته شده است. اقلیم کردستان دارای یک پارلمان محلی و انجمن وزیران محلی هست و در مناطق کردنشین خارج از سه استان اربیل، سلیمانیه و دهوک هم نفوذ دارند و اعمال حاکمیت می‌کنند. کردها همواره با حاکمیت در عراق در ستیز و تنش بوده‌اند. کردها که در سال ۱۹۹۱ و با استفاده از موقعیت پیش‌آمده بعد از جنگ خلیج فارس مابین قدرت‌های جهانی به رهبری آمریکا و عراق توانستند در سه استان مذکور اعلام خودمختاری کنند (مک داول، ۱۳۸۳: ۵۷۹) و بعد از فروپاشی رژیم بعث با توجه به آمادگی‌ای که داشتند توانستند وارد هرم قدرت در عراق شوند و مطالبات خود را قانونی کنند هم‌چنین در مناطق کردنشین خارج از اقلیم کردستان که در دوران حاکمیت رژیم بعث تعریف شده بودند به قلمرو سازی پرداختند و حاکمیت خود را فراتر از مرزهای قانونی گسترش دادند. عدم تکوین دولت-ملت‌سازی و تضاد بین نواحی مختلف قومی-مذهبی در عراق موجب شده که بعد از برداشته شدن قدرت مطلق مرکزی و فروپاشی رژیم بعث این نواحی اعلام موجودیت

کنند و سازمان جدیدی به فضای آن کشور بدهند که این وضعیت در قبال اقلیم کردستان پررنگ‌تر است و شکاف‌های قومی- مذهبی بین اقلیم کردستان و حکومت مرکزی تبعات منفی‌ای به دنبال داشته است. شکاف‌های قومی بین کردها و اعراب در عراق کاملاً مشهود است و این شکاف‌ها موجب شده که حکومت اقلیم کردستان علت وجودی خود را بر مبنای قومی، زبانی، فرهنگی و تاریخی تفسیر کند و هویت کردی را علت اصلی موجودیتش بداند. شکاف قومی- مذهبی در عراق دوسویه است به صورتی که شکاف مذهبی بین شیعیان و سنی‌ها و شکاف قومی بین کردها و اعراب است و این فضای ازهم‌گسیخته شکل‌گیری دولت ملی در آن کشور را با مشکل روبه‌رو کند.

### کشمکش‌های سرزمینی

اقلیم کردستان در ساختار جدید عراق همواره در راستای قلمرو سازی در مناطق کردنشین خارج از قلمرو خود اقدام کرده است و خواستار پیوستن آن مناطق به اقلیم کردستان بوده است. مناطق مورد مناقشه حکومت مرکزی و اقلیم کردستان استان نفت خیز کرکوک و همچنین قسمت‌هایی از استان صلاح‌الدین، موصل و دیاله است که با توجه به ثروت‌های زیرزمینی و منابع سرشار نفت موجود در استان کرکوک همواره کرکوک از اهمیت بیشتری برای اقلیم کردستان برخوردار بوده است. استان کرکوک را می‌توان یک عراق کوچک نامید، شهر و استانی که در دل خود گروه‌های مختلف جمعیتی اعم از کُرد، عرب سنی و شیعه، ترکمن و... را جای داده است، استانی که با توجه به ذخایر قابل توجه نفتی‌اش از دیرباز تاکنون یکی از مهم‌ترین ارکان درآمدی عراق به شمار می‌آید و همچنین با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی‌اش در عمق خاک عراق، دارای اهمیتی بسیار مهم از نظر جغرافیایی و امنیتی است. همین مسئله باعث شده است تا از دهه ۱۹۶۰ بدین سو دولتمردان عراق که همواره با کردها در تضاد هویتی، کشمکش سیاسی و گاه جنگ بوده‌اند و همان‌طور که در جدول شماره دو مشاهده می‌شود به سمت ترسیم و عملیاتی کردن سیاست‌های مهندسی جمعیتی، جهت کاستن از جمعیت کردها تحت عناوین مختلف سوق داده شوند و حتی اقدام به تغییر مرزها و حدود این استان در دوره صدام حسین بکنند، بدین معنی که شهرستان‌هایی عرب نشین را که در شرق کرکوک قرار داشتند به کرکوک ملحق کرده و برخی شهرستان‌های کردنشین آن را به استان‌های صلاح‌الدین و دیاله اضافه کردند تا از طریق چنین روش‌هایی بتوانند داعیه کردها مبتنی بر کردستانی بودن کرکوک را زیر سؤال ببرند. بعد از سقوط رژیم بعث دوباره ترکیب جمعیتی استان کرکوک دچار تغییرات گسترده‌ای شده است اما به دلیل عدم سرشماری دقیق در این مناطق آماری قابل استنادی در دست نیست.

جدول ۲. تغییر ترکیب جمعیتی کرکوک بین سال‌های ۱۹۵۷ تا ۱۹۷۷

قومیت	۱۹۷۷	۱۹۵۷
کرد	۳۷/۵۳	۴۸/۳
عرب	۴۴/۴۱	۲۸/۲
ترکمن	۱۶/۳۱	۲۱/۴

(منبع: talabany, 1999:25)

طی سال‌های اخیر مسئله کرکوک برای کردها به مثابه یک رؤیای شیرین و نزدیک اما همچنان دست‌نیافتنی بوده است. به این معنی که از فردای تحولات ۲۰۰۳ و سقوط رژیم بعثی بدین سو آنان تلاش نمودند تا این استان نفت‌خیز و دارای اهمیت استراتژیک را به منطقه خودمختار خود در شمال عراق ضمیمه کنند. پس از یک اقدام اولیه و ناموفق برای الحاق کرکوک به کردستان از طریق عملیات آزادسازی آن در زمان حمله آمریکا به عراق، آنان سعی نمودند از راه قانونی و بدون درگیری محتمل نظامی زمینه‌ساز الحاق کرکوک به شمال کشور شوند؛ لذا آنان در حین نگارش قانون اساسی اولیه عراق ماده ۵۸ را جهت تعیین سرنوشت این استان و دیگر مناطق موردادعا وارد آن کردند، ماده قانونی که پس از اصلاحات سال ۲۰۰۵ به ماده ۱۴۰ قانون اساسی تغییر نام داد. اما کوشش کردها و ارائه اسناد، شواهد و استدلال‌های مختلف مبنی بر هویت کردی این شهر و حتی پیروزی در انتخابات داخلی این استان و تعیین استاندار گرد و بر عهده گرفتن تأمین امنیت در بخش‌های از آن‌هم نتوانست آنان را به کرکوک برساند و هر بار کشور و یا بازیگری مانع از دستیابی آنان به کرکوک شد. ابتدا آمریکایی‌ها به روشنی مانع از الحاق کرکوک به منطقه اقلیم شدند. تهدیدهای پیاپی ترکیه نیز (در حدفاصل سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷) مبنی بر هویت ترکمانی کرکوک و احتمال لشکرکشی به این منطقه باعث سخت‌تر شدن موضع آمریکایی‌ها در قبال خواست کردها می‌شد تا پایان سال ۲۰۱۱ که آمریکایی‌ها هنوز در عراق دارای نیروی نظامی و سیاسی توأمان بوده و به‌طور طبیعی کلیدی‌ترین بازیگر عرصه سیاسی این کشور بودند هیچ اقدام خاصی برای نزدیک شدن کردها به ضمیمه کردن کرکوک به اقلیم کردستان انجام ندادند و دولت عراق نیز این استان را جزء مناطق کردنشین به شمار نمی‌آورد (احمدی پور و دیگران، ۱۳۹۳:۳۵) در نتیجه طی همه این سال‌ها عدم تعیین سرنوشت مناطق مورد مناقشه با محوریت کرکوک همواره یکی از مهم‌ترین مشکلات و موانع موجود در گسترش و بهبود روابط اربیل- بغداد بوده است. همان‌طور که در جدول شماره سه مشاهده می‌شود، اقلیم کردستان خواستار پیوستن تمامی استان کرکوک، تمام مناطق و شهرستان‌های نینوا به جز موصل و بعاج و خازر، خانقین و مندلی و کفری در استان دیاله

هست که در این صورت مساحت اقلیم کردستان ۷۸۷۳۶ کیلومتر مربع خواهد شد (1395, www.presidency.krd). کردها بعد از سقوط رژیم بعث توانسته‌اند در مناطق مورد ادعای خود جمعیت اعراب را کاهش و کردها را در آن مناطق به‌خصوص استان کرکوک ساکن کنند. بعد از حمله داعش به عراق و شکست ارتش عراق در رویارویی با شبه‌نظامیان داعش نیروهای پیشمرگ در مناطق مورد مناقشه خلأ امنیتی موجود را پر کرده و مناطق مورد مناقشه را تحت تصرف خود درآورده‌اند که با بهبود وضعیت امنیتی در عراق قلمرو خواهی اقلیم کردستان تبدیل به یکی از چالش‌های دیگر برای عراق و منطقه شده است که به درگیری مستقیم نظامی منجر شده است. قدرت‌های منطقه‌ای و دولتمردان عراقی الحاق کرکوک به اقلیم کردستان رسیدن به استقلال کردها و تهدیدی برای منطقه و عراق تفسیر می‌کنند (پور سعید، ۱۳۸۹: ۱۹۶) چون دستیابی به منابع انرژی کرکوک توسط اقلیم کردستان، وزن ژئوپلیتیکی کردها را بالابرده و آینده سیاسی کشور عراق و امنیت کشورهای کردنشین منطقه را تهدید می‌کند.



(منبع: www.alalam.ir، 1395)

نقشه شماتیک ۲. مناطق مورد اختلاف حکومت محلی اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق

جدول ۳. مناطق و نواحی مورد اختلاف حکومت اقلیم کردستان با حکومت مرکزی

مناطق مورد مناقشه اقلیم کردستان عراق با حکومت مرکزی	
استان کرکوک با همه شهرها و نواحی اش به انضمام شهرهای دافوق، دوزخورماتو، چمچمال، کلار، کفری، دوز خور ماتو تازه.	کرکوک
شهر سنجار و نواحی آن، شهر شیخان و نواحی آن، شهر حمدانیه و نواحی آن، شهر تلکیف و نواحی آن، شهر مخمور و نواحی آن، ناحیه زمار، شهر عقره و نواحی آن، ناحیه بعشیق	نینوا
شهر خانقین و نواحی آن، جلولا، سعیدیه، شهر المقدادیه و نواحی آن، ناحیه مندلی، شهر بدره و ناحیه حصان، ناحیه میدان، ناحیه قوره تو، کفری	دیاله

(منبع: www.krg- kagb.org، 1395)

### اختیارات فرا ایالتی اقلیم کردستان

منطقه فدرال کردستان عراق که استان‌های دهوک، اربیل، سلیمانیه، و بخش‌هایی از استان‌های صلاح‌الدین، موصل و کرکوک را در برمی‌گیرد و از یک وضعیت خودگردانی در چارچوب مرزهای کشور عراق برخوردار بوده است و حکومت منطقه‌ای کردستان که منتخب پارلمان محلی این منطقه هست، در طی این مدت به اداره آن پرداخته است، شیوه و چگونگی خودگردانی کردستان عراق در چارچوب «حکومت منطقه‌ای کردستان» با الگوهای کلاسیک خودمختاری و «فدرالیسم» شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد در رابطه با تشابهات آن می‌توان گفت: حکومت منطقه‌ای کردستان در مواردی نظیر دارا بودن مرکزیت سیاسی، پارلمان و قوه مجریه‌ی محلی، بودجه محلی و داشتن نمایندگانی در پایتخت فدرال و . . . با سایر حکومت‌های غیرمتمرکز شباهت دارد، اما در ارتباط با تفاوت شیوه‌ی خودگردانی حکومت منطقه‌ای کردستان در مواردی نظیر برقراری ارتباط خارجی با سایر بازیگران نظام بین‌الملل، در اختیار داشتن نیروهای نظامی موسوم به «پیشمرگه» یا حافظان اقلیم که در حکم «ارتش» هستند و راهبرد تشکیل ارتش ۲۰۰۰۰۰ نفری را دارند (امیری مقدم: ۱۳۸۹) و همچنین صلاحیت‌ها و اختیارات پارلمان کردستان در زمینه‌ی توی قوانین پارلمان و حکومت فدرال و . . . با سایر الگوهای غیرمتمرکز تفاوت دارد با عنایت به تفاوت‌های مدل حکومتی کردستان عراق با الگوها و مدل‌های خودمختاری و فدرال، می‌توان برای این اقلیم وجود مستقلاً در چارچوب الگوهای مدیریتی فضا قائل بود. نتیجه این‌که الگوی حکومتی در کردستان عراق و حکومت منطقه‌ای آن با وجود داشتن اشتراکات فراوان با الگوهای خودمختار و فدرالیسم، در زمره‌ی هیچ‌کدام از آن‌ها قرار نمی‌گیرد زیرا اختیارات و صلاحیت‌هایی که در چارچوب قانون اساسی عراق به حکومت منطقه‌ای کردستان اعطاشده است، باعث شده که مدل کردستان عراق در مرحله‌ی بالاتری از خودمختاری و فدرالیسم قرار بگیرد بر همین اساس می‌توان نام این الگوی حکومتی را مدل «فرا ایالتی» نامید (قربانی نژاد، ۲۱۵:۱۳۸۷). اقلیم کردستان عراق شیوه‌ای از حکمرانی را طی این چند سال پیاده کرده است که شاید در جهان سیستمی مشابه آن موجود نباشد. اقلیم کردستان به‌واسطه ذخایر عظیم نفتی و قرار گرفتن بر سر راه خط لوله صادراتی نفت عراق به ترکیه دارای موقعیتی استراتژیک هست (محمدی و دیگران، ۱۳۶:۱۳۹۱). این اقلیم اکثریت قوانین حکومت مرکزی را نقض می‌کند و با توجه به وزن ژئوپلیتیکی و قدرت اقتصادی مستقل، که ناشی از منابع سرشار زیرزمینی و فروش نفت است، به‌طوری‌که دارای سیاست خارجی غیرهمسو با حکومت مرکزی هست و حتی در امور نظامی هم کاملاً مستقل عمل می‌کند و بدون بازگشت به قوانین حکومت مرکزی قراردادهای بزرگ نفتی را با



شرکت‌های بزرگ جهانی وضع کرده است و در چندین کشور بزرگ جهانی دارای کنسولگری مستقل است.

### صادرات نفت

ذخایر نفتی در سه استان کردنشین عراق را بیش از ۴۵ میلیارد بشکه برآورد شده است (عیسی؛ نجار، ۱۳۹۱:۱۴۳) و دولت اقلیم از سال ۲۰۰۵ با جذب کمپانی‌های بین‌المللی نفتی به اقلیم کردستان، احداث زیرساخت‌های خط لوله، اتصال یک‌جانبه خط لوله‌اش به خط لوله ترکیه - عراق که متعلق به دولت فدرال عراق است، مذاکره با ترکیه برای قرارداد ۵۰ ساله انرژی و در اختیار گرفتن کنترل دوفاکتوی بخش‌هایی از کرکوک و منابع نفتی آن، بخش انرژی‌اش را با شدت توسعه داده است. این واقعیت‌های جدید میدانی موجب شده‌اند که دولت اقلیم کردستان دست به ریسک‌گریزی بیشتری بزند یعنی سود کمتر با ریسک مشخص در معامله را به سود بیشتر با ریسک نامشخص ترجیح دهد و نفت را با دور زدن بغداد صادر کند. این اقدامات دولت اقلیم زمانی صورت گرفت که تلاش برای مذاکره با دولت فدرال عراق برای فروش نفت خام کردستان از طریق سازمان بازاریابی نفت عراق SOMO و همچنین توافق نفت در برابر پول در دسامبر ۲۰۱۴ با شکست مواجه شدند. بغداد بر حاکمیت دولت فدرال بر منابع نفتی عراق، فروش، درآمد و شفافیت دولت اقلیم در بخش انرژی که در بودجه ملی عراق نقش دارد - اصرار می‌ورزد درحالی‌که اربیل خواهان در کنترل داشتن صادرات نفت خام خود و درآمدهای آن‌که شفاف هم نیست هست (خواجeh‌ای، ۱۳۹۲:۱۹). دولت اقلیم به صادرات نفت از مجرای غیر بغداد ادامه می‌دهد که صادرات نفت این اقلیم حدود ۶۲۰ هزار بشکه در روز است و از طریق خط لوله نفتی عراق - ترکیه (ITP) که ۴۶۰ هزار بشکه آن متعلق به میدان‌های نفتی اقلیم کردستان و مابقی متعلق به میدان‌های نفتی کرکوک است ارسال می‌شود (mmr.krg.org, 1395). با توجه به سیستم موجود در اقلیم کردستان می‌توان گفت که این اقلیم در راستای استقلال کامل از حکومت عراق حرکت کرده و رفتارها و آینده این اقلیم همواره در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. در طول سالیان پس از سقوط رژیم بعث همواره شاهد رویارویی سیاسی، اقتصادی و حتی بعضی اوقات نظامی از سوی حکومت مرکزی عراق و حکومت اقلیم کردستان بوده‌ایم به طوری‌که حکومت عراق از قانون‌شکنی و اختیارات فرافدرالیسم در اقلیم کردستان نگران است و اختیارات فراوان اقلیم کردستان همواره موردانتقاد گروه‌های قومی مذهبی عراق و حتی قدرت‌های منطقه‌ای بوده است و اقدامات این اقلیم را در راستای تجزیه عراق تفسیر می‌کنند که می‌تواند سازمان‌دهی سیاسی فضای کشور عراق را با چالش بیشتر همراه کند. بسیاری از اعراب عراق بر این باورند که حضور کردها در حکومت مرکزی و پارلمان عراق نه

برای کمک به ساخت کشوری بر مبنای حکومتی فدرال است که برای آماده‌سازی فضا برای اعلام استقلال کردستان بوده است. از این رو اختلافات عمیق سنی - شیعه بهترین فرصت برای کردها جهت تضعیف کشور بود. بسیاری از مردم کرد در عراق نیز خود را به هیچ‌عنوان عراقی نمی‌دانند و حتی از نام عراق ابراز انزجار می‌کنند. در کردستان عراق نمادهای بسیار معدودی از کشور عراق قابل‌رؤیت است. اکثر مردم (به‌خصوص نسل جوان) به زبان عربی تکلم نمی‌کنند. به‌جز در مراکز دولتی معدودی چون ساختمان نخست‌وزیری و پارلمان کردستان و برخی از ادارات دولتی که پرچم عراق در کنار پرچم کردستان برافراشته شده، کمتر نشانی از پرچم عراق دیده می‌شود. پول رایج در این منطقه که دینار عراقی است از معدود نشانه‌های دولت مرکزی است. البته در معاملات بالاتر از چند صد دلار مردم ترجیح می‌دهند که از دلار آمریکا استفاده کنند. در اقلیم کردستان عراق، نیروهای امنیتی - اطلاعاتی (آسایش، پیشمرگه و پاراستن) به شکل کامل در کنترل احزاب کرد است. نیروهای ارتش و پلیس عراق حتی مرزهای اقلیم کردستان با کشورهای همسایه را کنترل نمی‌کنند. مرزهای زمینی و هوایی و گمرکات اقلیم کردستان عراق تا قبل از فراندوم توسط اقلیم از کنترل دولت مرکزی خارج بوده و توسط دولت اقلیم کردستان کنترل می‌شد که بعد از انجام فراندوم و بازپسگیری مناطق مورد مناقشه با زور نظامی حکومت عراق خواستار، لغو فراندوم، پس دادن مناطق مورد مناقشه، فرودگاه‌ها، گذرگاه‌های مرزی و ... است و کردها هم تا این لحظه این موارد را قبول نکرده‌اند و این وضعیت آینده عراق و منطقه را با بحران جدی مواجه کرده است.

### نتیجه

اقلیم کردستان با حکومت مرکزی دارای چالش‌های متعددی است. عراق کشوری است مصنوعی که بر اساس ابتکارات قدرت‌های جهانی شکل گرفته و هویت ملی و حس مشترک هم‌وطنی در آن شکل نگرفته است. کردها در عراق با اعراب از بعد هویتی، زبانی، فرهنگی و قومی اشتراکاتی ندارند و این شکاف‌های قومی همواره تبعات منفی‌ای برای توسعه سیاسی و اجتماعی در آن کشور داشته است. بعد از فروپاشی رژیم بعث کردها این فرصت را پیدا کردند که وارد عرصه قدرت در آن کشور شوند و حکومت اقلیم کردستان را تشکیل دهند. با توجه به شکاف‌های قومی - مذهبی، پدیده تروریسم، خلأ قدرت در قسمت‌هایی از عراق، دخالت قدرت‌های خارجی کردها توانستند فدرالیسم را پشت سر بگذارند و اختیارات خود را در زمینه اقتصادی و فروش مستقیم نفت، سیاست خارجی مستقل و حتی غیرهمسو با حکومت مرکزی و هم‌چنین قلمرو سازی در مناطق دارای خلأ امنیتی افزایش دهند و بر مناطق مورد اختلاف با حکومت مرکزی حاکمیت پیدا کنند و چالش‌های فی‌مابین با حکومت مرکزی را بیشتر کنند.

حکومت مرکزی عراق اختیارات فرا ایالتی و قلمرو سازی توسط حکومت اقلیم را نقض قانون اساسی عراق و انجام رفراندوم و حرکت استقلال خواهانه کردها را تهدیدی برای صلح و امنیت عراق و منطقه تفسیر می‌کنند درحالی‌که حکومت اقلیم استقلال را حق خود می‌داند. هر یک از چالش‌های بین اقلیم کردستان و حکومت مرکزی علی‌الخصوص قلمرو سازی و انجام رفراندوم توسط اقلیم زمینه ساز درگیری و تنش بوده است و بحران‌ها در سطح منطقه را تشدید کرده است. به نظر نگارندگان با توجه به تعلیق رفراندوم توسط دولتمردان کرد؛ دولت مرکزی عراق با اقلیم کردستان با کمک قدرت‌های منطقه بایستی از طریق گفت و گو و مذاکره مشکلات را حل کنند و جلو جنگ و خونریزی بیشتر را بگیرند. استفاده از هژمونی ایران در منطقه در جهت نزدیک کردن اقلیم کردستان با حکومت مرکزی، تعریف ملت عراق بر مبنای اصول دموکراسی، حقوق شهروندی، اقتصاد پویا، بازگشت به مفاد قانون اساسی ...، هماهنگی و همکاری علمی- پژوهشی بین دانشگاه‌های اقلیم کردستان و سایر نواحی عراق می‌تواند تنش‌ها را کاهش دهد.

## منابع و مأخذ

### الف) فارسی

۱. احمدی پور، زهرا؛ میرشکاران، زهرا؛ هور کار، برنارد (۱۳۹۳)، "سازمان‌دهی سیاسی فضا در ساختار بسیط"، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دهم، شماره سوم.
۲. احمدی پور، زهرا؛ قنبری، قاسم؛ کرمی، قاسم (۱۳۹۱)، "سازمان‌دهی سیاسی فضا"، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۳. اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۳)، "خیزش داعش و بحران امنیتی در عراق و رویکرد ایران"، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۴. امیری مقدم، رضا (۱۳۸۹)، "کردها و عراق نوین"، همایش عراق نوین و جمهوری اسلامی ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها، دانشگاه جامع امام حسین، دانشکده پیامبر(ص).
۵. بدیعی، مرجان (۱۳۹۵)، "جزوه کلاسی سازمان‌دهی سیاسی فضا"، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا.
۶. بنی‌هاشم، میرقاسم (۱۳۸۱)، "فرایند ملت‌سازی در خاورمیانه" کتاب خاورمیانه (۱) مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۷. پور سعید، فرزاد (۱۳۸۹)، "برآورد استراتژیک عراق آینده"، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول، شماره مسلسل ۴۷.
۸. تاج‌آبادی، حسین؛ دهنوی، مهدی (۱۳۹۳)، "فدرالیسم عراق و امنیت ملی ایران؛ فرصت‌ها و چالش‌ها"، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره هجدهم.
۹. ثقفی عامری، ناصر (۱۳۸۵)، "عراق جدید تغییرات ژئوپلیتیک"، فصلنامه راهبردی شماره ۳۹.
۱۰. حاجی میر خان، زرار (۱۳۹۰)، "اقلیم کردستان عراق"، فصلنامه فرهنگی اجتماعی گفتگو، شماره ۵۸.
۱۱. حافظ نیا، محمدرضا؛ احمدی پور، زهرا؛ قادری حاجت، مصطفی (۱۳۹۱)، "سیاست و فضا"، انتشارات پاپی.
۱۲. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۲)، "افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی"، انتشارات سمت.
۱۳. حافظ نیا، محمد رضا؛ کاویانی راد، مراد (۱۳۹۳)، "فلسفه جغرافیای سیاسی"، پژوهشکده مطالعات کاربردی.
۱۴. خواجه‌ای، علی (۱۳۹۲)، "بررسی وضعیت نفت و گاز در منطقه کردستان عراق" ماهنامه اقتصاد انرژی، شماره ۱۵۵.
۱۵. زارعی، بهادر (۱۳۹۲)، "بنیادهای نظری جغرافیای سیاسی با تأکید بر اسلام و ایران"، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۶. سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۹)، "عراق؛ ساختارها و فرایند گرایش‌های سیاسی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی جلد اول.
۱۷. شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۴)، "حقوق تطبیقی، چاپ اول، انتشارات سمت.
۱۸. ضیغمی، محمدعلی (۱۳۸۷)، "راهنمای تجارت با کشور عراق"، شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۱۹. عیسی، اکری؛ نجار، شیرزاد (۱۳۹۰)، "ویژگی‌های اقلیم کردستان عراق"، فصلنامه فرهنگی اجتماعی گفتگو، شماره ۵۸.
۲۰. غلامی، طهمورث (۱۳۹۰)، "رابطه پیچیده هویت دولت و امنیت در عراق"، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
۲۱. قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۹)، "بازیگران مؤثر بر آینده عراق: منافع و سناریوها"، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۷.
۲۲. قربانی نژاد، ربیاز (۱۳۸۷)، "بررسی تطبیقی الگوی خودگردانی کردستان عراق با الگوهای خودمختاری و فدرالیسم"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر محمدرضا حافظ نیا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۲۳. قوام، عبدالعلی؛ زرگر، افشین (۱۳۸۷)، "دولت‌سازی ملت‌سازی و نظریه‌های روابط بین‌الملل" آثار نفیس.
۲۴. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۲)، "جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی"، تهران انتشارات سمت.
۲۵. محمدی، حمیدرضا؛ خالدی، حسین (۱۳۹۱)، "ژئوپلیتیک کردستان عراق"، نشر انتخاب.
۲۶. مک‌داول، دیوید (۱۳۸۳)، "تاریخ معاصر کرد"، ترجمه: ابراهیم یونسی، نشر پانید.
۲۷. میرحیدر، دره؛ راستی، عمران؛ میراحمدی؛ فاطمه سادات (۱۳۹۲)، "مبانی جغرافیای سیاسی"، انتشارات سمت.
۲۸. میرحیدر، دره (۱۳۸۳) "اصول و مبانی جغرافیای سیاسی"، تهران، نشر سمت.
۲۹. نامی، محمدحسین؛ محمدپور، علی (۱۳۸۷)، "جغرافیای کشور عراق با تأکید بر مسائل ژئوپلیتیک"، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۳۰. نوروزی، نور محمد و دیگران (۱۳۸۲)، "چالش مشروعیت و بازسازی نظم سیاسی در خاورمیانه"، ترجمه اسدالله سلیمانی، معاونت پژوهشی: تهران دانشکده امام باقر.
۳۱. واعظی، محمود (۱۳۸۸)، "ثبات‌سازی و امنیت در خلیج فارس و نقش متقابل عراق جدید و کشورهای منطقه"، معاونت پژوهشی سیاست خارجی (گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس).
۳۲. قانون اساسی عراق (۱۳۹۲) "عراق، قوانین و احکام"، تبریز، انتشارات آیین دادرسی.

## ب) خارجی

33. Glassner M.R and Fahrner, c.(1993), political geography. 2 rdedition. John Wiley & sons New York.
34. Dietrich F. Avery Kolers, "Land, Conflict, and Justice. A Political Theory of Territory", Cambridge 2009. St. Antony's International Review. 2010; 6(1): 190-191.
35. Mackenzie, David Neil, 1999. The Origin of Kurdish ,”in : Iranica.
36. Iraq’s Policy of Ethnic Cleansing: Onslaught to change national demographic characteristics of the Kirkuk Region, Nouri Talabany, Prefaced by Lord Eric Avebury London 1999.
37. www.reliefweb.int
38. www.alalam.ir
39. www.mnr.krg.org
40. www.krg-kagb.org
41. www.persidenecy.krd